

تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران از منظر حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت‌ها^۱

غلامعلی قاسمی^۲

امینه مؤیدیان^۳

چکیده

دولت آمریکا تحریم‌های هسته‌ای علیه برنامه صلح آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تحریم‌های مالی، بانکی و تجاری گسترده علیه اقتصاد کشور وضع نموده است. این کشور با بکارگیری ابزار تحریم حداکثری موجبات کاهش بسیار جدی تراز تجاری و مالی جمهوری اسلامی ایران را فراهم نموده است. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با کنکاش پیرامون این موضوع، مناسبات بین فشارها و رفتار آمریکا با حق تعیین سرنوشت اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داده است. رفتار دولت آمریکا در وضع تحریم‌های گسترده و حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران، نقض آشکار حق تعیین سرنوشت اقتصادی، و به تبع آن سرنوشت اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی ملت ایران به عنوان یک تعهد عام الشمول است که نه تنها منافع دولت و ملت ایران بلکه منافع سایر دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی و به طور کلی نظم عمومی جهانی را تحت الشعاع خود قرار داده است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت زیان‌دیده مستقیم، مطابق حقوق بین‌الملل حق طرح مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده آمریکا و درخواست به توقف فعل متخلفانه، تضمین به عدم تکرار و جبران خسارات وارده را دارد. سایر دولت‌ها نیز ضمن برخورداری از حقوق مزبور مکلفند، وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض این تعهد عام را شناسایی نکرده، به حفظ این وضعیت کمک نکنند و اطمینان حاصل نمایند که هرگونه مانع بر سر راه اعمال تعهدات مزبور از بین رفته است؛ در نتیجه برای حصول این اطمینان باید کلیه دولت‌ها همکاری فعالانه لازم را بنمایند. از آنجا که این همکاری در سطح مطلوب در دسترس نیست، راهبرد مقاومت و اتکال به ظرفیت و امکانات داخلی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، راهبردی مشروع و صحیح است.

واژگان کلیدی: حق تعیین سرنوشت، تعهد عام الشمول، حقوق بین‌الملل،

تحریم هسته‌ای، حق تعیین سرنوشت اقتصادی

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۹/۰۶/۲۲، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

۲- دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران، نویسنده مسئول:

g.ghasemi43@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری حقوق دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

درآمد

جمهوری اسلامی ایران به حق معتقد است به موجب مزایای ناشی از عضویت در پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای ۱۹۶۸ (ماده ۴)، حق داشتن برنامه صلح آمیز هسته‌ای از جمله حق غنی سازی اورانیوم برای سوخت نیروگاه های هسته‌ای و نیز برخورداری از جنبه های پیشرفته این صنعت را دارد. این حق معاهده ای مستند به حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت هاست که مفهوم و حدود آن در این مقاله بررسی می شود. در مقابل دولت های دارای صنعت و سلاح هسته‌ای و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا با شناسایی این حق مخالفت نموده و تحریم‌های متنوع و گوناگونی را علیه جمهوری اسلامی ایران وضع نموده اند؛ گروهی از این تحریم ها بطور مستقیم برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داده است، مانند تحریم فروش قطعات و تجهیزات هسته‌ای، ممنوعیت فروش و خرید اورانیوم یا تحریم شخصیت ها و شرکت های فعال در برنامه هسته‌ای و گروهی دیگر تحریم های اقتصادی مانند تحریم های بانکی، سرمایه گذاری و خرید نفت هستند که با هدف کنترل و توقف برنامه هسته‌ای و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران وضع شده اند. حال سؤال اصلی این است که داشتن برنامه صلح آمیز هسته‌ای و غنی سازی اورانیوم با توجه به حق تعیین سرنوشت اقتصادی چگونه است و تحریم های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در تقابل با این اصل چگونه ارزیابی می شود؟ چارچوب نظری بحث، بررسی موضوع در چارچوب حقوق بین الملل است. و البته مواضع جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه است. نخست مفهوم و حدود حق تعیین سرنوشت اقتصادی در پرتو قواعد حقوق بین الملل مطالعه می شود سپس با تبیین اهمیت و ابعاد برنامه صلح آمیز در توسعه اقتصادی، تقابل تحریم ها با این حق بررسی خواهد شد. ضرورت و اهمیت بحث از این موضوع به خواست ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران برای برخورداری از انرژی صلح آمیز هسته‌ای به منظور تامین انرژی و دیگر کاربردهای آن مانند پزشکی، دارویی، کشاورزی و غیر آن بر می گردد. مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی در تبیین این خواست و در جمع سران جنبش عدم تعهد در تهران بیان داشته اند که «... جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست و نیز هرگز از حق ملت خود در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای چشم پوشی نخواهد کرد.» این تحقیق در صدد

تبیین این حق در چارچوب موازین حقوق بین الملل است؛ مبنا و منشا این حق را باید در حق تعیین سرنوشت بطور کلی و حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت‌ها بطور خاص جستجو نمود.

پیشینه تحقیق

طبق بررسی صورت گرفته اعمال تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران خارج از چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت، با آثار جمعی و در ابعاد کنونی، از جانب ایالات متحده آمریکا از پیشینه‌چندانی برخوردار نیست. به همین دلیل بررسی‌های علمی خاص در این زمینه انجام نشده است. پژوهش‌ها و تحقیقات صورت گرفته اکثراً مقوله تحریم را به طور کلی مورد ارزیابی قرار داده‌اند و پژوهشی که تحریم‌ها را از نقطه نظر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از منظر حق تعیین سرنوشت اقتصادی به عنوان یک تعهد عام الشمول مورد کنکاش قرار داده باشد صورت نگرفته است. از جمله مهمترین بررسی‌های صورت گرفته در خصوص تحریم‌های اقتصادی که می‌توان از آنها بهره برد می‌توان به پژوهش صورت گرفته توسط زهرانی (۱۳۸۷) با عنوان «تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان مؤلفه جایگزین جنگ و در چارچوب سیاست مهار» اشاره نمود که به نوعی این پژوهش رویکردی سیاسی به مقوله تحریم دارد. جناب آقای خواجه (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی تحت عنوان تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر حقوق بین الملل اقتصادی و حق بر توسعه به طور کلی مقوله تحریم را در پرتو حقوق بین الملل اقتصادی و با مبنا قرار دادن حق بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه در قبال دولت‌های توسعه یافته مورد ارزیابی قرار داده است. جناب آقای زمانی و زنگنه شهرکی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی تحت عنوان «چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین المللی تحریم‌های بین المللی ناقض حقوق بشر» تحریم را در چارچوب حقوق بشر به طور کلی و امکان سنجی طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها در این زمینه مورد توجه قرار داده است. جناب آقای دکتر ظریف و میرزایی (۱۳۷۶) نیز در پژوهشی تحت عنوان «تحریم‌های یک جانبه آمریکا علیه ایران» مقوله تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی

ایران را از منظر نتایج حاصله تحریم‌ها در قالب اقدامات فراسرزمینی و آثار آن مورد ارزیابی قرار داده است. لذا تمایز اساسی تحقیق حاضر با پژوهش‌های ذکر شده پرداختن به عملکرد ایالات متحده آمریکا در وضع مجموعه‌ای از تحریم‌های یک جانبه با آثار جمعی از منظر حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت ایران به عنوان یک تعهد عام الشمول و مرتبط با نظم عمومی بین‌المللی است.

۱. مفهوم حق تعیین سرنوشت و مروری بر پیشینه تقنینی آن در حقوق بین‌الملل

در منابع حقوقی بین‌المللی برای رسیدن به درکی روشن از مفهوم حق تعیین سرنوشت، بیشتر به ویژگی‌های این حق اشاره شده است. (اکبری لالیمی، ۱۳۹۵: ۶۲). پروفیسور مایکل آکهرست در کتاب «کلیات حقوق بین‌الملل نوین» حق تعیین سرنوشت را این گونه تعریف می‌کند: «حقی است که مردم یک سرزمین به موجب آن، سرنوشت و شئونات سیاسی و حقوقی آن سرزمین را تعیین می‌کنند تا از این طریق یک دولت جدید یا این که بخشی از یک دولت دیگر شوند.» (Akehurst, 1997: 290).

استاد فلسفه، تسون فرناندو در کتاب فلسفه حقوق بین‌الملل، در تعریف حق تعیین سرنوشت می‌نویسد: «استحقاق اکثریت یک گروه انسانی که در سرزمین معینی زندگی می‌کنند، به حقی که به موجب آن بتوانند به منظور جبران بی‌عدالتی سیاسی و بی‌عدالتی سرزمینی، در چارچوب احترام به حقوق بشر و با رعایت منافع و انتظارات مشروع کسانی که بیرون از گروه هستند؛ در مورد جایگاه سیاسی و سازمان سیاسی خود تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کنند.» (تسون، ۱۳۹۲: ۲۵۲). تعریف دیگر از حق تعیین سرنوشت تعریف ارائه شده در ماده یک مشترک میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که به نظر می‌رسد این تعریف، تعریف جامع‌تر و قابل فهم‌تری از حق تعیین سرنوشت ارائه می‌دهد. به موجب ماده ۱ مشترک میثاقین، کلیه ملت‌ها دارای حق تعیین سرنوشت هستند که به موجب آن می‌توانند آزادانه وضع سیاسی و مدنی خود را تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تأمین نمایند.^۱

1- International Covenant on Civil and Political Rights 16 December 1966, Enforcement 23 March 1976 and International Covenant on Economic

آنچه از مجموع تعاریف مزبور حاصل می آید این است که امروزه حق تعیین سرنوشت از جمله حقوق و آزادی های اساسی و بنیادین بشر به شمار می رود، که به موجب آن همه مردم و گروههای اجتماعی صرف نظر از مرزها، فرهنگ-ها و مذاهب مختلف و ... می توانند امور خویش را در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی راهبری نمایند و هر دولتی وظیفه دارد تحقق این حق را تسهیل و احترام آن را رعایت نماید.

و اما حق تعیین سرنوشت در قالب یک مفهوم کلی، به لحاظ تاریخی برای اولین بار در انقلاب فرانسه مطرح شد. این حق با هدف کنار زدن رهیافت قدیمی، بر گرایش دولت محور، در تعاملات داخلی و بین المللی ترجیح داده شد. بر اساس رهیافت قدیمی، جامعه جهانی از دولت های برخوردار از حاکمیتی که هر کدام اساساً منافع سیاسی رهبران خود را دنبال می کردند، تشکیل شده بود. روابط میان دولت ها در حقیقت به روابط میان گروه های حاکم رهنمون شده بود که منافع اتباع خود را تنها هنگامی مد نظر قرار می دادند که از سوی قدرت های بیگانه مورد تهدید واقع شود، یا تنها زمانی که حمایت منافع مزبور در ارتباط مستقیم با منافع رهبران کشور باشد. (کاسسه، ۱۳۹۱: ۲۰۶) ولی نهادینگی و تقنین بین المللی تدریجی این حق پس از جنگ جهانی اول مفهومی نوین به معادلات داخلی و جهانی بخشید. حق تعیین سرنوشت موجب گردید که افراد و ملت ها در مناسبات داخلی و خارجی خود حرفی برای گفتن داشته باشند، دولت های برخوردار از حاکمیت دیگر نتوانند آزادانه بر آنها ستم کنند، مردم می بایست همواره از این حق برخوردار باشند تا آزادانه سرنوشت خود را انتخاب کنند. حق تعیین سرنوشت به تدریج به والاترین حق بشری در اسناد بین المللی و یکی از اصول پایه و اساسی حقوق بین الملل تبدیل شد. این حق که مشتمل بر حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است در عصر حاضر یکی از مهمترین اصول حقوقی است که به عنوان یک حق مسلم برای ملت ها در نظر گرفته شده است، که به موجب آن همه مردم حق دارند فارغ از مرزها، فرهنگ ها و مذاهب مختلف از کلیه حقوق مدنی برخوردار و وضعیت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را دنبال کنند و هر دولتی وظیفه دارد این حق را طبق مقررات بین المللی رعایت نماید. این حق به طور

کلی در بند ۲ ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد در راستای توسعه روابط دوستانه میان ملت‌ها با هدف تحکیم صلح جهانی مورد شناسایی قرار گرفت. از آن پس وجود و اجرای این حق در اعلامیه «راجع به اعطای استقلال به کشورها و ملت‌های تحت استعمار ۱۹۶۰ مجمع عمومی»، اعلامیه اصول راجع به توسعه روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر اساس منشور ملل متحد ۱۹۷۰^۱ «مورد تأکید و در دو سند الزام آور» میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۷۷ به عنوان مبنای عدالت و صلح در جهان بازتاب بیشتری یافت. ماده ۱ مشترک میثاقین ضمن به رسمیت شناختن حق خودمختاری کلیه ملت‌ها برای تعیین آزادانه وضع سیاسی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، از دولت‌های طرف میثاق خواسته است که تحقق حق خودمختاری ملت‌ها را تسهیل و احترام این حق را مطابق با مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند. این حق همچنین در قضایای صحرای غربی در سال ۱۹۷۵^۲، اختلاف دریایی السالوادور و هندوراس در سال ۱۹۹۲، تیمور شرقی مورخ ۱۹۹۵^۳ و همچنین قضیه مربوط به دیوار حائل^۴ در سال ۲۰۰۴ مورد شناسایی و تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته است. دیوان در قضایای مذکور اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت را یکی از اصول اساسی و بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی معرفی نموده است. امروزه نظام حقوق بین‌الملل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را در دو بعد: ۱- روابط بین‌الملل با اتکا به تساوی حقوقی بین‌المللی ملت‌ها و در راستای توسعه روابط دوستانه و همکاری بین‌المللی (بعد فرامرزی) ۲- روابط داخلی و در چارچوب مرزهای یک کشور در قبال حاکمان و زمامداران (بعد درون مرزی) مورد توجه قرار داده

1- Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation Among States in Accordance with the Charter of the United Nation, GA Res, 2625 (XXV) annex (Oct-24, 1970).

2- Advisory Opinion of 16 October 1975, Available in: [https:// www.icj-cij.org/files/case-related/61/061-1975016-ADV-01-00-EN.PDF](https://www.icj-cij.org/files/case-related/61/061-1975016-ADV-01-00-EN.PDF).pp.31-53. Paras: 54-59.

3- Judgment of 30 June 1995, Available in: [http:// www.icj-cij.org/files/case-related/84/084-19950630-JUD-01-00-EN.Pdf](http://www.icj-cij.org/files/case-related/84/084-19950630-JUD-01-00-EN.Pdf). P-19. Para 29.

4- Advisory Opinion of July 2004, Available in: [http:// www.icj-cij.org/files/case-related/131/137-20040709-ADV-01-00-EN.pdf](http://www.icj-cij.org/files/case-related/131/137-20040709-ADV-01-00-EN.pdf). para.159.

است. در نتیجه با استناد به اسناد ذکر شده، آنچه انکارناپذیر است این است که در حال حاضر حق تعیین سرنوشت یک اصل مسلم حقوقی بین‌المللی با ویژگی عام است که دولت‌ها در روابط خود با همدیگر و در رابطه با مردم تحت انقیاد خود مکلف به رعایت آن هستند.

۱-۱. جایگاه حق تعیین سرنوشت اقتصادی در حقوق بین‌الملل

در خصوص ماهیت و ارزش حقوقی حق تعیین سرنوشت بویژه از نوع اقتصادی آن، قدری ابهام وجود دارد. بر اساس دسته‌بندی رایج ناظر به انواع حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت در زمره حقوق همبستگی و اصطلاحات نسل سوم حقوق بشر معرفی می‌شود. این در حالی است که ماهیت این دسته از حقوق، بیشتر به اهداف و آرمان‌های مطلوب می‌ماند تا حق‌های واجد تکلیف و تعهد با ضمانت اجرای مشخص؛ چه اینکه، این حقوق مانند حق توسعه یا حق بر محیط زیست و حق تعیین سرنوشت اقتصادی، وابسته به عزم، امکانات و شرایط دولت‌ها دارد. بنابر این انتظار تعیین تعهدات منجز و تحقق آن دور از دسترس است. اما حق تعیین سرنوشت اقتصادی پیوند جدی تری با حقوق اقتصادی اجتماعی دارد که در معاهدات و اسناد بین‌المللی مهمی بدان اذعان شده است و در مواردی آراء دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بدان اذعان دارد که در این نوشتار مورد اشاره قرار خواهد گرفت. در این حالت نیز ماهیت تعهد و اعتبار حقوقی این حق، محل تامل است زیرا «سوء تفاهم شایع و رایج در این خصوص این بوده است که تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بایستی توسط دولت تامین شود و اینکه آنها بر هزینه هستند و منجر به رشد بی‌رویه تشکیلات دولتی می‌شوند.» (غدیری، ۱۳۸۹: ۴۱). اضافه بر این، سازکار دادخواهی و قضایی همانند حقوق مدنی سیاسی برای احقاق این حقوق پیش‌بینی نشده است و اگر هم وجود داشته باشد کارایی آنها را ندارد. این استدلال تا حدی درست می‌نماید ولی نسبت به موضوع بحث ما که حق تعیین سرنوشت در بعد خارجی است مصداق ندارد؛ بدین ترتیب که موضوع بحث این مقاله، اقدامات و تحریم‌های اقتصادی یک دولت خارجی علیه کشور دیگر است که علاوه بر تعارض با اصولی چون حق حاکمیت دولت‌ها و اصل عدم مداخله،

امکان برخورداری یک ملت از حق تعیین سرنوشت اقتصادی را سلب می‌نماید و تعهدات بین‌المللی متعددی از این طریق نقض می‌گردد. با این اوصاف حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت‌ها، واجد ارزش حقوقی مشخص در حقوق بین‌الملل می‌شود که در لابلای معاهدات و اسناد بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی قابل درک و استنتاج است و در این قسمت مورد اشاره قرار می‌گیرد. حق تعیین سرنوشت اقتصادی^۱ به عنوان یکی از اقسام حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، برای اولین بار در ضمن مفهوم کلی حق تعیین سرنوشت، به وسیله منشور سازمان ملل متحد وارد حقوق بین‌الملل موضوعه گردید، و به واسطه میثاق‌های حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تفصیل بسط و گسترش یافت. تکرار ماده ۱ در هر دو میثاق بیانگر ارتباط متقابل حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به تبع آن‌ها وابستگی سرنوشت سیاسی و سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها به همدیگر است. بنابراین ممانعت از اعمال یک قسم از اقسام تعیین سرنوشت قطعاً دیگر اقسام را متأثر خواهد ساخت. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضمن شناسایی حق تعیین سرنوشت اقتصادی در کنار حق تعیین سرنوشت اجتماعی و فرهنگی برای ملت‌ها، به ایجاد تکلیف برای دولت‌های عضو اقدام نموده و از آنها خواسته است سعی و اهتمام خود را از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی به منظور تأمین تدریجی حقوق شناخته شده اقتصادی در میثاق، بکار گیرند. همچنین میثاق حق ملت‌ها را برای تصرف در منابع و ثروت‌های طبیعی خویش به رسمیت شناخته و اذعان داشته است که در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد. در نهایت میثاق، در بند ۳ خود از دولت‌های عضو خواسته است

۱- تفکیک حق تعیین سرنوشت اقتصادی از حق تعیین سرنوشت اجتماعی و فرهنگی در عمل امکانپذیر نیست. حقوق اقتصادی مبنای بهره‌مندی از حقوق اجتماعی هستند. به عبارت دیگر برخورداری از حقوق اجتماعی و فرهنگی نیازمند بهره‌مندی از حق‌های اقتصادی است. این حق‌ها عبارتند از حق مالکیت، حق داشتن کار و ... حق‌های اقتصادی کارکرد دوگانه‌ای دارند. این حق‌ها مبنایی برای استقلال و آزادی هستند. حق‌های فرهنگی از جمله حق آموزش در جهت استفاده مطلوب از حق‌های اقتصادی و فراهم نمودن استانداردهای زندگی اهمیت اساسی دارند و حقوق اقتصادی در ارتقاء حقوق فرهنگی مؤثر واقع می‌شوند. لذا مکان اعمال و یا عدم اعمال حق تعیین سرنوشت اقتصادی قطعاً در تعیین وضعیت اجتماعی و فرهنگی یک ملت مؤثر خواهد بود. لیکن به لحاظ تئوری چنین امکانی وجود دارد. و در جهت تسهیل در امر پژوهش به این امر اقدام شده است.

تحقق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را رعایت نمایند. بر مبنای مفاد فوق‌الذکر می‌توان اذعان داشت که در واقع تعیین سرنوشت اقتصادی و بهره‌مندی از منابع طبیعی در راستای توسعه آن حق ملتهاست و دولت‌ها به نمایندگی از جانب آنها به بهره‌برداری از منابع طبیعی در جهت توسعه اقتصادی اقدام می‌نمایند. لذا بر مبنای مواد ۱ و ۲ میثاق تعیین سرنوشت اقتصادی یک ملت با حاکمیت آن گره می‌خورد، بدین شکل که ملتها اختیار خود را در زمینه تعیین سرنوشت اقتصادی به دولت‌ها تفویض می‌نمایند. لذا یک دولت برخوردار از حاکمیت واقعی در روابط خود با دیگر دولت‌ها، در زمینه اقتصادی بر سرنوشت خویش حاکم است. (فلدرن، ۱۳۹۱: ۷۴). منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها مصوب ۱۹۷۴ مؤید این مدعی است. این منشور ضمن شناسایی حقوق متساوی و حق تعیین سرنوشت به عنوان یکی از اصول بنیادین در روابط اقتصادی بین‌المللی، در ماده ۴ خود، حق همه دولت‌ها را در تنظیم روابط اقتصادی براساس اصل آزادی ارتباطات تجاری و اقتصادی به رسمیت می‌شناسد و اذعان می‌دارد که با تحریم‌ها و تبعیض‌های قدرت‌ها که انحصارات را در صحنه واردات و صادرات پدید می‌آورند، مخالفت می‌ورزد. همچنین منشور در ماده ۸ خود تلاش برای بنیان نهادن روابط اقتصادی بین‌المللی متوازن و منصفانه و معقول و منطقی را مقرر می‌دارد. اعلامیه روابط دوستانه ۱۹۷۰ نیز ضمن شناسایی اصل حقوق متساوی و حق تعیین سرنوشت ملتها به طور کلی، به طور خاص به وظیفه دولت‌ها به «همکاری و معاونت در رشد اقتصادی» در سرتاسر جهان به ویژه رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه تصریح نموده و اذعان داشته است که «هر دولت وظیفه دارد که با اقدامات انفرادی و مشترک، در تصدیق و تأیید این مهم کوشش مجدانه بنماید.» اعلامیه مذکور همچنین اضافه می‌نماید که «هر دولت موظف است از اقدامات زورمدارانه و خصمانه به منظور محروم نمودن مردم از حق تعیین سرنوشت اقتصادی و ... خود، خودداری کند و کسانی که در مقام اعمال حق تعیین سرنوشت خود در مقابل این اقدامات مقاومت و ایستادگی می‌کنند، استحقاق حمایت را دارند.» (تی‌یا، ۱۳۶۶: ۱۲۷). مجمع عمومی سازمان ملل نیز به کرات اقدامات اقتصادی قهرآمیز را به عنوان وسیله دستیابی به اهداف سیاسی تقبیح نموده است. این رکن فراگیر

سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۲۱۰ مورخ ۱۹۹۱ تحت عنوان «اقدامات اقتصادی به عنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه» به شدت از کشورهای صنعتی می‌خواهد که از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌های تجاری، سیاسی، اجتماعی و غیره سایر کشورها استفاده نکنند. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) نیز در قطعنامه ۱۵۲ جولای ۱۹۸۳ خود، اقدامات اقتصادی قهرآمیز خارج از چارچوب سازمان ملل متحد به ویژه هنگامی که علیه کشورهای در حال توسعه به کار می‌رود را محکوم می‌نماید. این قطعنامه اعلام می‌دارد: که این اقدامات کمکی به ایجاد جو مسالمت‌آمیز نمی‌نماید و از کشورهای توسعه یافته می‌خواهد که از اعمال محدودیت‌های مختلف تجاری و مجازات‌های اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر حق آنها برای تعیین سرنوشت اقتصادی و توسعه آن اثر می‌گذارد خودداری ورزند. (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۶: ۹۶).

در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ نیز حق توسعه اقتصادی به استناد حق تعیین سرنوشت اقتصادی «حقی جهانی و جزء جدایی ناپذیر حقوق اساسی بشر» به شمار آمده است. به این ترتیب، حق مردم بر تعیین سرنوشت اقتصادی خود، هم در اسناد و مدارک حقوقی اعلامی و هم در موافقت‌نامه‌هایی که مفاد آنها تعهدات و وظایف الزام‌آوری بر عهده دولت‌ها قرار می‌دهند، مورد تصریح قرار گرفته است.

۲-۱. دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای و حق توسعه و تعیین

سرنوشت اقتصادی

انرژی هسته‌ای یکی از انرژی‌های موجود در جهان مانند انرژی بادی، آبی، گاز و نفت و... است، اما در قیاس با آنها از انرژی‌های پایان ناپذیر محسوب می‌شود. بهره‌گیری صلح‌آمیز با اهداف اقتصادی از انرژی هسته‌ای و کاربرد گسترده آن در حوزه‌های گوناگون مانند تولید برق از طریق نیروگاه اتمی، کاربرد رادیو ایزوتوپ‌ها در صنایع پزشکی، کاربرد پرتوها در صنایع فلزی، پرتودهی فرآورده‌های کشاورزی و انبار کردن و نگهداری آنها، بهره‌گیری از پرتوها در معدن نفت و زغال سنگ، نابودسازی باکتری‌های فاسد کننده فرآورده‌های خوراکی، پرتونگاری در

جوشکاری و نشت یابی لوله‌ها و مخازن، کاربرد رادیو ایزوتوپ‌ها در پزشکی هسته‌ای (رادیو اکتیو) و مبارزه با سرطان و بیماری‌های غدد تیروئید بسلیار حائز اهمیت است بنابراین، کاربرد دانش هسته‌ای می‌تواند نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها به شمار آید. بر پایه آمارهای وزارت اقتصاد و کار آلمان و کمیساریای انرژی اتمی فرانسه تا سال ۲۰۰۰ بر سر هم ۱۱۱۸ راکتور هسته‌ای در سراسر جهان ساخته شده است که ۲۸۰ راکتور کوچک آن در زمین پژوهش‌ها و تولید ایوتوپ‌ها در پزشکی و صنایع به کار گرفته می‌شود. از ۴۰۰ نیروگاه هم به صورت محرک در کشتی‌ها و زیردریایی‌ها استفاده می‌شود و ۴۳۸ راکتور بزرگ برای تولید برق در ۳۱ کشور فعال است که بر سر هم ۲۵۹۲ ساعت برق تولید می‌کنند. در این زمینه ایالات متحده آمریکا با ۱۰۴ نیروگاه ۸۰۰ تراوات ساعت برق بزرگترین سهم را دارد. فرانسه با ۵۹، ژاپن با ۵۳، روسیه و آلمان به ترتیب با ۲۹ و ۱۹ نیروگاه در ردیف‌های بعد و پیش از اوکراین، بریتانیا، کانادا، اسپانیا و کره قرار گرفته‌اند. تولید برق یکی از نیازهای انکارناپذیر در زندگی جوامع بشری است که اگر با صرفه جویی اقتصادی بیشتر و آلودگی هر چه کمتر محیط زیست همراه باشد بی‌گمان خواهد توانست در اقتصاد کشورها نقشی بسزا داشته باشد. انرژی هسته‌ای که این دو ویژگی مهم را دارد می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شده و به کمک نیروگاه‌ها بیاید و جهان را از بحران کمبود منابع فسیلی رهایی بخشد. بر همین اساس نیروگاه برق اتمی اقتصادی‌ترین نیروگاهی است که امروزه در جهان ساخته می‌شود. پرتودهی مواد خوراکی یعنی قرار دادن آن‌ها در مقابل مقدار مشخصی پرتو گاما، به منظور جلوگیری از جوانه زنی برخی محصولات مانند پیاز و سیب زمینی و همچنین کنترل آفات انباری، کاهش بار میکروبی و قارچی پاره‌ای محصولات مانند زعفران و ادویه و به تأخیر انداختن روند رسیدن برخی میوه‌ها به منظور افزایش زمان نگهداری آنها از مزایای بکارگیری انرژی هسته‌ای است. نقش انرژی هسته‌ای در پیشگیری، کنترل و تشخیص بیماری‌های دامی، تولید مثل دام، تغذیه و اصلاح نژاد دام و بهداشت و ایمنی محصولات دامی و خوراک دام نیز بسیار حائز اهمیت است. (احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

از آنجا که بهبود دسترسی به منابع آبی یکی از زمینه‌های بسیار مهم توسعه

به شمار می‌آید، تکنیک‌های هسته‌ای برای شناسایی حوزه‌های آب سطحی و زیرزمینی، کشف و کنترل آلودگی و کنترل نشت سدها و ایمنی آنها کارآیی بسیار دارد. از این تکنیک‌ها برای شیرین کردن آب شور نیز استفاده می‌شود.

انرژی هسته‌ای در بخش صنعت نیز کاربردهای گوناگون و متنوعی دارد. نمونه‌هایی از این کاربردها عبارتند از: فراهم آوردن چشمه‌های ایزیدیم برای کاربردهای صنعتی و بررسی جوشکاری در لوله‌های نفت و گاز، تولید چشمه‌های پرتوزا با کاربردهای گوناگون در علوم و صنعت مانند طراحی و ساخت انواع سیستم‌های هسته‌ای برای کاربردهای صنعتی از جمله سیستم‌های سطح سنجی، ضخامت سنجی، چگالی سنجی، اندازه‌گیری زغال سنگ، بررسی کوره‌های مذاب شیشه سازی برای تعیین اشکالات آنها، نشت‌یابی در لوله‌های انتقال نفت و غیره.

دانش هسته‌ای با دانش پزشکی نیز پیوستگی ناگسستنی دارد، امروز دانش پزشکی بی‌دانش هسته‌ای تعریف نمی‌شود. در حال حاضر گذشته از بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای در اشعه ایکس و دستگاه‌های رادیوگرافی و عکس برداری، درمان بیماری‌های سرطانی با رادیو دارو انجام می‌گیرد. در پزشکی هسته‌ای از مواد رادیو ایزوتوپ برای شناسایی و درمان بیماری‌ها در سطح سلولی و مولکولی استفاده می‌شود. سرطان شناسی و درمان سرطان یکی از مهمترین کاربردهای انرژی هسته‌ای در پزشکی است.

و اما نکته حائز اهمیت افزایش فزاینده وابستگی به کاربردهای بسیار گوناگون تکنولوژی هسته‌ای است به طوری که به جرأت می‌توان گفت در هزاره سوم میلادی تداوم تمدن صنعتی بی بهره‌گیری از علوم و فنون هسته‌ای تصور ناشدنی است. (احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۳). علاوه بر مزایای گوناگون اقتصادی، علمی، زیست محیطی، پزشکی و تأمین انرژی و سایر مواردی که استفاده از انرژی هسته‌ای به همراه دارد، در حال حاضر شرایط نظام بین‌الملل به گونه‌ای است که برای حفظ و ارتقاء موقعیت خود استفاده از علوم استراتژیکی مانند فناوری هسته‌ای، اجتناب ناپذیر است. لذا فناوری اکتسابی در زمینه سوخت پاک و انرژی هسته‌ای، نقش مهم و برجسته‌ای در تعیین شاخص‌های اقتدار و استقلال کشورها ایفاء می‌کند. به عبارت دیگر انرژی هسته‌ای، تعیین کننده استقلال و عدم استقلال کشورها در

دنیای آینده است. در نظام جهانی فعلی، دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای بر اقتدار سیاسی می‌افزاید و در فرآیند چانه‌زنی‌ها و کشمکش‌های دیپلماتیک و قراردادهای و عهدنامه‌ها، بر کارآیی دارندگان انرژی هسته‌ای اثرگذار است. اورانیوم امروز خود یک عامل تعیین کننده برای سیطره قدرت در جهان به شمار می‌رود. دستیابی به فناوری غنی سازی اورانیوم و ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای، شرایط سلطه از پیش تعیین شده را که بعد از پایان جنگ سرد و شکل‌گیری روابط جدید بین‌المللی به وجود آمده است، به چالش می‌گیرد و قدرت‌ها را به دوباره سازی روابط تهدید می‌کند. چنین ضرورت‌هایی، دولت‌ها و کشورهای جهان را به سرمایه‌گذاری بر روی انرژی هسته‌ای فرا می‌خواند. دولت‌هایی که این ضرورت‌ها را درک نکنند و در یک نگاه استراتژیک به آن نیاندیشند و سرمایه‌گذاری کافی بر روی این امر مهم و حیاتی ننمایند در فردای زندگی خود دچار بحران‌هایی خواهند شد. اساسنامه سازمان انرژی اتمی و پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای هر کدام با تصریح به سهم انرژی هسته‌ای در صلح، سلامت و سعادت بشریت، به نقش آفرینی جدی انرژی هسته‌ای در آینده جوامع بشری اذعان نموده و انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح آمیز را حق مسلم کلیه دولت‌های عضو دانسته‌اند. مستند به این حق و حق تعیین سرنوشت اقتصادی و با مد نظر قرار دادن گستردگی کاربرد تکنولوژی هسته‌ای در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و بهره‌وری بالای دستاوردهای علوم و فنون هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه اقتصادی و بهره‌مندی از چنین مزایای فراوانی و همچنین ارتقاء جایگاه کشور در عرصه‌های جهانی مجدانه در حال تلاش و پیگیری است.

۱-۳. تعهد دولت‌ها در برابر حق تعیین سرنوشت اقتصادی و ماهیت آن

با توجه به آنچه در مطالب فوق ذکر گردید، در نهایت مشخص شد که براساس حقوق بین‌الملل کلیه دولت‌ها مکلفند در روابط بین‌المللی خود حق تعیین سرنوشت دیگر ملت‌ها را به طور کلی محترم شمرده و تحقق آن را در چارچوب مقررات منشور سازمان ملل متحد تسهیل و احترام آن را رعایت نمایند. لازم به یادآوری است که حق تعیین سرنوشت اقتصادی موضوع میثاق بین‌المللی حقوق

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که متضمن نسل دوم حقوق انسانی است، به عنوان یکی از مصادیق حق تعیین سرنوشت از این قاعده مستثنی نیست و مشمول تکلیف و تعهد مذکور می‌باشد. بیان متمایز این میثاق مبنی بر این که دولت‌ها باید در جهت «تحقق روزافزون» حقوق مندرج در آن بر اساس منابع در دسترس «گامهایی بردارند»، مانع از شناسایی تکلیف برای کلیه دولت‌ها در راستای رعایت حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت‌هایشان در برابر یکدیگر و در روابط با یکدیگر نیست. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ماهیت این تعهد و تکلیف چیست؟ دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی ۲۰۰۴ خود در قضیه دیوار حائل، ضمن اشاره بر عرفی بودن اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، ماهیت تعهد دولت‌ها در برابر این اصل را، عام‌الشمول معرفی نمود. در این قضیه دیوان ضمن اشاره به حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین در برابر تجاوزات اسرائیل، عام‌الشمول بودن آن را مورد شناسایی قرار داده و اذعان نمود که تعهدات عام‌الشمول ناشی از اصول مربوط به حقوق بنیادین نوع انسان هستند که صرف عضویت دولت‌ها در جامعه بین‌المللی مستلزم رعایت آنهاست و رعایت آنها منوط به رضایت قراردادی دولت‌ها نیست، در نتیجه با توجه به اهمیت و ماهیت این دسته از تعهدات، همه دولت‌ها مکلفند وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض آنها را به رسمیت نشناخته و برای حفظ وضعیت به وجود آمده کمک و مساعدتی نمایند. (حبیب زاده، ۱۳۹۰: Rasekhoon.net).

در هر جامعه، منافع، مصالح و ارزش‌هایی وجود دارد که نظام حقوقی آن جامعه با حفاظت از آنها مانع سقوط و از هم پاشیدگی بنیان‌های اجتماعی می‌شود. در واقع، ارزش‌ها و منافع عالی هر جامعه و حفظ آن موجب پدیدار شدن مفهوم نظم عمومی شده است. از سوی دیگر، هر جامعه دارای ارزش‌ها و منافع عالی خاص خود است، چرا که ضرورت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی که ارزش‌ها، مصالح و منافع هر جامعه بر آن استوار گردیده است از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. بر این اساس مبانی نظم عمومی می‌تواند شامل مبانی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اخلاقی باشد. در جامعه بین‌المللی نیمه سازمان‌یافته این منافع و ارزش‌ها از حساسیت خاصی برخوردار است. آنچه می‌توان نظم عمومی بین‌المللی نامید، ارزش‌ها، مصالح و منافع عالی جامعه بین‌المللی است که به

تدریج توسعه یافته‌اند. این نظم عمومی بین‌المللی یک منبع ماهوی برای حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در عالم حقوق تجلی نظم عمومی بین‌المللی را در قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول می‌بینیم. (حدادی، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۰). تعهدات عام‌الشمول تعهداتی هستند که تمامی دولت‌ها در خصوص حفظ و حمایت از آنها دارای نفع حقوقی می‌باشند و نقض این گونه تعهدات، تمامی آنها را تحت تأثیر قرا می‌دهد و تمامی آنها در صورت نقض تعهدات عام‌الشمول زیان دیده محسوب می‌شوند. لذا این تعهدات همان‌گونه که قاضی کرافورد بیان داشته است: تعهداتی هستند که حوزه جهانی داشته و نمی‌توان آنها را به سطح روابط دوجانبه میان دولت‌ها کاهش داد، این تعهدات به جامعه بین‌المللی در کل تعلق دارند. (Crawford, 2000: 4). کارل زمانک نیز معتقد که هدف قواعد با ویژگی عام‌الشمول تأمین منافع و حقوق یک دولت در برابر دولت دیگر نیست، بلکه این قواعد بیان‌کننده منافع جامعه بین‌المللی با ارزش‌های مبنایی است. (zemanek, 2000: 42) امروزه مفهوم تعهدات عام‌الشمول و تفکیک آن از تعهدات یک دولت در قبال دولت دیگر، در عرصه بین‌المللی به طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفته است. مهمترین ویژگی‌های این دسته از تعهدات، تقسیم ناپذیری آنها، ساختار غیر دو جانبه‌ای و غیر متقابل بودن آنهاست. نقض آنها بر تمامی دولت‌ها در مواردی که تعهدات مربوط به حقوق بین‌الملل عام و همچنین بر تمامی دولت‌های عضو معاهده‌ای که شامل آن تعهدات می‌شود اثر می‌گذارد. (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۰۴۰). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه بارسلونا تراکشن همین ویژگی‌ها را در قالب دو ویژگی جهانی بودن و همبستگی بیان داشته است. جهانی بودن بدین معنی است که تعهدات عام‌الشمول برای تمامی دولت‌ها بدون استثناء الزام‌آور هستند. و همبستگی به معنی این است که هر دولت دارای منافع حقوقی در این تعهدات است که از آنها حمایت می‌کند.^۱

1- Barcelona Traction Case, Dissenting opinion of Riphagen, ICJ Reports-1970, para 8.

۴-۱. نقض حق تعیین سرنوشت و نسبت آن با اصل عدم مداخله

حق تعیین سرنوشت به طور کلی و بالاخص حق تعیین سرنوشت اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد آن جلوه‌ای از حاکمیت و استقلال کشورهاست و ترتیبات آن از صلاحیت و اختیارات ذاتی کشورها تلقی می‌شود از این رو نادیده گرفتن آن از طریق تحریم و فشارهای اقتصادی، نوعی انکار حاکمیت و مداخله در امور داخلی کشورهاست. ژان بدن حاکمیت را اقتدار مطلق و مداوم دولت می‌داند. (قاضی، ۱۳۸۳: ۱۸۶). از سوی دیگر حاکمیت که البته مبتنی بر اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و نشأت گرفته از آن است، به مفهوم قدرت برتر و دائمی دولت بر اتباع و دارایی آنها می‌باشد و دارای دو وجه است. وجه داخلی که موجب نظم و ثبات امور داخلی می‌گردد و وجه خارجی آن به مفهوم استقلال، یعنی آزادی از دخالت کشورهای خارجی است. لزوم حفظ همین حاکمیت، ضرورت عدم اعمال قدرت یک دولت بر دیگری را می‌طلبد. در غیر اینصورت حاکمیت آن دولت مورد انکار واقع شده و مداخله در امور آن صورت گرفته است. بنابراین اصل «منع مداخله» ریشه در اصل حاکمیت دارد. (صادقی، ۱۳۹۰: ۹۵). بند ۷ ماده ۲ منشور مقرر می‌دارد: «هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتا جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است، دخالت کند و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند...». عدم مداخله مندرج در این بند، یک اصل راهنما و سیاست این سازمان در قبال کشورهای عضو و تحقق اهداف آن مندرج در ماده ۱ است. این اصل در کنار سایر اصول سازمان، آمده است و می‌توان گفت منشا آن همان اصل حاکمیت برابر کشورهاست. (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

به غیر از منشور، اسناد بین‌المللی بویژه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل که در واقع بیانگر عرف بین‌الملل در این زمینه هستند مؤید پذیرش عدم مداخله به عنوان یک اصل بنیادین هستند. در این قطعنامه‌ها همه جا از مداخله در «امور داخلی و خارجی» صحبت شده است. قطعنامه (G.A/Res/ 2131) مجمع عمومی تحت عنوان «اعلامیه راجع به قابل قبول نبودن مداخله در امور ملی کشورها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها» مورخ دسامبر ۱۹۶۵ و قطعنامه (G.A/Res/2625)

اکتبر ۱۹۷۰ تحت عنوان «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری بین کشورها» از جمله برجسته‌ترین این قطعنامه‌ها هستند. و اما منع مداخله از طریق اقدامات اقتصادی مانند انسداد دارائی‌ها و یا تحریم معاملات بازرگانی در قطعنامه (G.A/Res/3281) مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ تحت عنوان «منشور حقوق و وظایف اقتصادی کشورها» به طور خاص مورد تأکید قرار گرفته و در ماده یک آن آمده است که:

«هر کشوری حق حاکم و انتقال ناپذیری برای انتخاب نظام اقتصادی و همچنین نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود بر طبق اراده ملتش، بدون هر گونه مداخله، اجبار یا تهدید خارجی را دارد.»

مداخله در امور داخلی کشورها در معاهدات بین‌المللی نیز به صراحت منع گردیده است. از جمله در منشور سازمان کشورهای آمریکایی (مواد ۱۶، ۱۸ و ۱۹)، منشور سازمان وحدت آفریقا (ماده ۳)، پیمان اتحادیه عرب، کنفرانس کشورهای آفریقایی و آسیایی در باندونگ، کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا (اصل ۶). برای تشخیص و تعیین معنا و مصادیق مداخله در لابلای اسناد و قطعنامه‌های فوق، موضع دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه آن در تفسیر حقوق بین‌الملل موضعی راهگشاست. در رأی صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تنگه کورفو بر اصل «منع مداخله» به صراحت تأکید شده است.^۱ بر حسب نظر دیوان «بین دولت‌های مستقل» احترام به حاکمیت سرزمینی یکی از بنیادهای اساسی روابط بین‌الملل است. (ممتاز، ۱۰۳۳: ۱۳۷۹). دیوان همچنین در قضیه نیکاراگوئه علیه آمریکا، بر ارزش عرفی اصل عدم مداخله متکی به قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی تصریح دارد و بیان می‌دارد اعلامیه اصول روابط دوستانه بین دولت‌ها (قطعنامه ۲۶۲۵)، علاوه بر اینکه نوعی تفسیر منشور به عنوان یک معاهده جهانی است، دلیلی بر اعتقاد حقوقی دولت‌ها در زمینه رعایت قاعده عرفی عدم مداخله نیز به شمار می‌رود (Nicaragua case, 1986: para, 188). دیوان در رأی نیکاراگوئه پس از تحلیل و تثبیت اعتبار و ارزش حقوقی اصل عدم مداخله مندرج در قطعنامه‌های ۲۶۲۵ و ۲۱۳۱ مجمع عمومی، حدود این مفهوم، مصادیق و محتوای

1- Corfu Channel Case, Judgment of April 9 th, 1949, P. 895

آن را مشخص می‌کند. دیوان در ترسیم این محتوا معتقد است ممنوعیت مداخله در اموری است که هر کشور مطابق اصل حاکمیت کشورها مجاز به تصمیم‌گیری آزادانه است و از مصادیق آن انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تنظیم سیاست خارجی است. (قاسمی همان: ۱۵۱). در رابطه با مداخله در امور داخلی دولت‌ها به کمک تحریم‌های اقتصادی یکجانبه می‌توان به قطعنامه مصوب کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) با عنوان «عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز» اشاره نمود که در آن بیان می‌شود «کشورها حق اعمال محدود سازی، محاصره، ممنوعیت معامله یا سایر مجازات‌های اقتصادی به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی سیاسی و اجتماعی کشورها اثر گذارد ندارد»^۱. با توجه به این مقدمات در مورد تحریم‌های آمریکا علیه ایران باید گفت آن دسته از تحریم‌ها که خارج از چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت مطرح شده موجب دخالت غیر مستقیم آمریکا در امور داخلی و خارجی ایران می‌گردد، چرا که بطور مثال فعالیت‌های یک نهاد نظامی مانند سپاه و بانک‌های یک دولت جزء لاینفک امور داخلی محسوب می‌گردند. (ضیایی، ۱۳۹۳: ۱۴۳) تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه صنعت هسته‌ای کشور، علاوه بر اینکه از حیث اصول حقوق بین‌الملل مندرج در قطعنامه‌ها و نیز رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، نقض اصل عدم مداخله است؛ نقض تعهدات دوجانبه با دولت ایران نیز تلقی می‌شود. ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر متعهد شده در امور داخلی ایران مداخله ننماید. به موجب بند ۱ بیانیه کلی: ایالات متحده تعهد می‌نماید که سیاست ایالات متحده این است و از این پس این خواهد بود که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، سیاسی و یا نظامی، در امور داخلی ایران مداخله ننماید اینکه در بند ۱ بیانیه کلی به قید مداخله سیاسی یا نظامی اکتفا شده است، دکتترین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی در چارچوب قطعنامه‌های مجمع عمومی به عبارت مزبور جنبه تمثیلی می‌دهد و آن را به مداخله اقتصادی نیز قابل تسری می‌شمارد. چه شک نیست که با گسترش روابط اقتصادی بین‌المللی در قرن بیستم و پیچیدگی پیشرفت‌های تکنولوژیک و صنعتی دیگر مداخله نمی‌تواند در مصادیق کلاسیک آن «سیاسی و نظامی» محصور بماند، بلکه مظهر عادی و غیر

1- UNCTAD Resolution 152 (IV)2 July 1983

قابل تردید مداخله، ایجاد محظورات و محدودیت های مالی و اقتصادی است. (منصوریان، ۱۳۹۲: ۸۵۹). بنابر این تحریم های اقتصادی یکجانبه امریکا علیه ایران، نه تنها نقض اصل عدم مداخله، نقض حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت ایران، بلکه « بدون اغراق می توان گفت تحریم های اقتصادی علیه ایران در واقع جایگزین توسل به زور در مقیاس وسیع شده است ». (حبیبی مجنده، ۱۳۹۲: ۸۴۰).

۱-۵. اثر حقوقی نقض تعهدات عام الشمول: طرح مسولیت بین المللی

دولت ناقض

بدیهی است نقض تعهدات عام الشمول نیز همانند دیگر تعهدات بین المللی موجب مسئولیت دولت نقض کننده خواهد شد. البته این مسئولیت دارای ویژگی های خاص خود خواهد بود. در بحث مسئولیت برای نقض تعهدات عام الشمول، نکته ای که باید مورد توجه قرار داد، تفکیک میان دولت زیان دیده و دولت های با منافع حقوقی یا دولت های ثالث است. (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵) پیش نویس مواد کمیسیون حقوق بین الملل ۲۰۰۱ راجع به مسئولیت دولت ها در مورد اعمال متخلفانه بین المللی، با مد نظر قرار دادن حق مسلم دولت زیان دیده، یعنی دولتی که حق فردی اش به وسیله یک عمل متخلفانه بین المللی مورد انکار قرار گرفته، آسیب دیده و یا به نحو دیگری به طور خاص به وسیله آن عمل تحت تأثیر قرار گرفته است، به مسئولیت دولت ناقض در برابر دولت های ثالث پرداخته و ضمن اشاره بر مقررات کلی حاکم بر نقض تعهدات دولت ها در قبال کل جامعه بین المللی به تمایز بین دولت های زیان دیده و دولت های ثالث اهتمام ورزیده است. لذا از منظر این کمیسیون دولت ثالث دولتی محسوب می شود که به طور مستقیم از عمل متخلفانه بین المللی متأثر نشده و یا زیانی ندیده است، با این حال دارای منفعت حقوقی منطبق با این دلیل یعنی «اهمیت حقوق مربوطه» می باشد. به عبارت دیگر از منظر پیش نویس کمیسیون تنها نقض های مربوط به یک قاعده امره حقوق بین الملل و یا یک تعهد در برابر کل جامعه بین المللی دارای آثار حقوقی برای دولت های ثالث هستند. اگر چه مسئولیت دولت ناقض تعهدات عام الشمول براساس مقررات حقوق بین الملل و مستقل از استناد دولت دیگری به آن ایجاد می شود،

معهدنا ماده ۴۸ پیش نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ علاوه بر دولت زیان‌دیده به دولت‌های ثالث اجازه می‌دهد تا به مسئولیت دولتی که ناقض تعهدی بوده که در برابر کل جامعه بین‌المللی مسئولیت حفظ آن را داشته است، استناد جویند. براساس این ماده اعمال دولت ثالث به دلیل اهلیت فردی‌اش به خاطر زیان‌دیدگی از اعمال دولت ناقض تعهد نمی‌باشد، بلکه به دلیل اهلیت‌ش به عنوان عضو کل جامعه بین‌المللی می‌باشد. این مقرر در جهت اجرایی کردن گفته دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن بود که در آن، دیوان میان تعهدات در قبال دولت‌های خاص و تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی در کل «تمایزی اساسی» قائل گردیده است.^۱ لذا براساس بند ۲ ماده ۴۸، دولت‌های ثالث همانند دولت زیان‌دیده از نقض تعهد عام الشمول، استحقاق درخواست توقف عمل متخلفانه را دارند و در صورت لزوم براساس اوضاع و احوال خاص قضیه، می‌توانند به اخذ اطمینان و ضمانت عدم تکرار مطابق ماده ۳۰ پیش نویس مواد ۲۰۰۱ مبادرت ورزند. (Bird, 2011: 882). همچنین در کنار حقوق برشمرده شده برای دولت‌های زیان‌دیده و ثالث در برابر نقض تعهد عام الشمول، طبق رویه دیوان دولت‌های غیرناقض متعهدند وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض تعهد عام الشمول را شناسایی نکرده، به حفظ این وضعیت کمک نکنند و اطمینان حاصل نمایند که هرگونه مانع بر سر راه اعمال تعهدات مزبور از بین رفته است. لذا برای حصول این اطمینان باید همه دولت‌ها همکاری لازم را بنمایند. دیوان در قضیه نامیبیا بر این نظر بود که تمامی دولت‌ها باید با تسلط و حضور آفریقایی جنوبی در نامیبیا مخالفت نمایند، چرا که وضعیت غیرقانونی موجود ناشی از نقض تعهدی عام الشمول است.^۲ در قضیه دیوار حائل نیز دیوان با طرح ماده ۴۱ پیش نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اظهار داشته است که کلیه دولت‌ها موظفند احداث دیوار حائل را که ناقض حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین به عنوان یک نهاد عام الشمول است را به رسمیت نشناخته و هیچگونه کمک و مساعدتی به حفظ وضعیت ایجاد شده نمایند.

1- ILC, Draft Articles on State Responsibility With Commentary, 2001, art. 48.

2- The legal Consequence for stats of the Continued Presence of South Africa in Namibia , Op.cit, para.126.

در واقع دیوان در این قضیه با تأکید بر ماده ۴۱ طرح کمیسیون به تعهد به همکاری دولت‌های ثالث در نقض تعهدات عام‌الشمول ورود کرده و عدم شناسایی وضع به جود آمده در قبال نقض این قواعد را وظیفه عمومی دولت‌ها می‌داند. طبق رویه دیوان همچنین دولت ناقض تعهد عام‌الشمول متعهد است به نقض آن تعهد پایان داده و برنامه‌ها و کارهای آتی خود را که متضمن این نقض هستند متوقف نموده و وضعیت را به حالت قبل بازگرداند و جبران خسارت نماید. این موارد در قضیه دیوار حائل در خصوص تعهدات اسرائیل به عنوان دولت ناقض حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین به عنوان تعهدیعام‌الشمول مورد اشاره قرار گرفته‌اند.^۱

۲. تحریم هسته‌ای در تقابل با حق تعیین سرنوشت اقتصادی

اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ضمن شناسایی و اذعان به نقش آفرینی انرژی هسته‌ای در سلامت و سعادت بشر و تلاش برای ارتقاء بکارگیری این انرژی در موارد غیرنظامی در مقررات خود، تساوی حاکمیت کلیه اعضا را به رسمیت شناخته و بیان داشته‌اند که برای این که حقوق و مزایای ناشی از عضویت برای کلیه اعضا تأمین گردد جمیع اعضا باید تعهداتی را که طبق این اساسنامه به عهده گرفته‌اند را با حسن نیت اجرا کنند. نظارت بر اجرای صحیح مقررات نیز به آژانس بین‌المللی محول شده است. (فلسفی، ۱۳۷۳: ۲۵). اساسنامه همچنین در قسمت (۴) بند(ب) ماده سوم خود به تعیین تکلیف در خصوص مسائل پیش آمده در حوزه فعالیت آژانس پرداخته و بیان داشته است که: هرگاه در حدود فعالیت‌های مؤسسه مسائلی پیش‌آید که در صلاحیت شورای امنیت باشد، مؤسسه شورای مزبور را که مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت جهان را بر عهده دارد از آن مستحضر خواهد ساخت. لذا در این زمینه شورای امنیت براساس گزارش‌های آژانس، تهدید و یا نقض صلح جهانی را مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم اقدام مقتضی به عمل خواهد آورد. از سوی دیگر در یک اقدام امنیتی - حفاظتی برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای و با در نظر گرفتن انهدام و ویرانی که در صورت بروز جنگ هسته‌ای دامنگیر نوع بشر

1- Legal Consequence of the Construction of a Wall, op.cit, para.159.

خواهد شد، پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای تنظیم و به امضاء و تصویب دولت‌ها رسید. بند (الف) این پیمان تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز را حق مسلم کلیه دولت‌های عضو دانسته و آنها را مکلف به همکاری و تسهیل در استفاده از انرژی هسته‌ای در حداکثر شکل آن و تبادل تجهیزات، مواد و اطلاعات تکنولوژیکی نموده است. لذا بر اساس این پیمان حق دولت‌ها در استفاده از نیروی اتم در راه صلح، حقی مسلم و غیرقابل انتقال است. این حق در نخستین اجلاس ویژه مجمع عمومی در مورد خلع سلاح، در سال ۱۹۷۸ نیز به رسمیت شناخته شد. به موجب سند نهایی این اجلاس، برای آن که سلاح هسته‌ای شیوع پیدا نکند، همه دولت‌ها حق دارند با توجه به نیازها، اولویت‌ها و منافع ملی خود، در جهت برپایی و اکتساب تکنولوژی هسته‌ای و استفاده از آن، حصول مواد و ابزارهای لازم برای بهره برداری صلح‌آمیز از نیروی اتم و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن اقدام نمایند. در کنفرانس بررسی معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۸۰ گروه ۷۷ (کشورهای در حال توسعه) نیز اعلام گردید که دولت‌های امضاء کننده این معاهده، همگی حق دارند به تناسب نیازهای خویش از این نیرو استفاده صلح آمیز کنند و برنامه‌های مربوط به آن را خود طرح‌ریزی نمایند. اعضای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به اتفاق آراء در قطعنامه‌ای که در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۱ به تصویب رساندند، بر وجود چنان حقی تأکید نمودند. (قطعنامه ۲۰۴۰). در نتیجه می‌توان گفت بر اساس حقوق بین‌الملل استفاده از امکانات رشد و توسعه از جمله حقوق اساسی جامعه بین‌المللی به شمار می‌آید و دولت‌ها در استیفای آن با یکدیگر برابر و همه آنها باید بتوانند در محدوده نظم جدید اقتصادی بین‌المللی از آن منتفع شوند. (فلسفی، ۱۳۷۳: ۲۳).

دولت ایران در سال ۱۹۵۸ ضمن پذیرش اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (International Atomic Energy Agency) به عضویت این سازمان درآمد و متعاقب آن با پیوستن به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۶۸، اقدام به تأسیس «سازمان انرژی اتمی ایران» نمود و از آن پس، به تدریج فعالیت‌های هسته‌ای خود را براساس تعهداتش در پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای آغاز نمود. این کشور پس از پیمودن فراز و فرودهای بسیار در راستای

تأسیس نیروگاه‌های هسته‌ای سرانجام در سال‌های پایانی قرن بیستم به موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه دست یافت. با وجود تلاش مجدانه دولت جمهوری اسلامی ایران در رعایت قواعد و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی و تحت نظارت آن، به دنبال سعایت دشمنان و مخالفان، یعنی ایالات متحده آمریکا و متحدانش، از ابتدای سال ۲۰۰۳ پرونده ایران در دستور کار شورای حکام آژانس قرار گرفت. به دنبال این قضیه و تلاش دولت‌های غربی برای مجاب ساختن دولت جمهوری اسلامی ایران برای پذیرش درخواست غیرقانونی و نامعقول‌شان مبنی بر توقف همیشگی فعالیت‌های هسته‌ای و رد این درخواست از جانب دولت ایران، وزرای خارجه پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و آلمان در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۶ در لندن گرد هم آمدند و با صدور بیانیه‌ای تصمیم خود مبنی بر گزارش موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت را اعلام کردند.

در نهایت چالش‌هایی که سالها در روابط جمهوری اسلامی ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دولت‌های اروپایی در مورد ماهیت برنامه هسته‌ای ایران وجود داشت به تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ و تحریم ایران منجر گردید. از این تاریخ به بعد دولت‌های اروپایی عضو دائم شورای امنیت و آمریکا با انگیزه توقف در پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های متعددی علیه دولت و ملت ایران شکل دادند. به موازات این اقدامات، به تدریج مذاکرات جدید ایران و گروه ۱+۵ طبق پیمان‌نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به منظور اطمینان از عدم تولید و توسعه سلاح هسته‌ای توسط ایران آغاز گردید. پس از چندین دور مذاکره، سرانجام تیم‌های مذاکره کننده در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ در وین پایتخت اتریش موفق به دستیابی به یک توافق جامع و نهایی - با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک - بر سر آینده برنامه هسته‌ای ایران شدند. به دنبال دستیابی به توافق برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام، شورای امنیت با تصویب و صدور قطعنامه ۲۲۳۱ اقدام به انضمام آن به قوانین بین‌المللی نموده و قطعنامه‌های قبلی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را ملغی اعلام نمود. همان روز ۱۷ ژانویه ۲۰۱۶ که قطعنامه ۲۲۳۱ توسط شورای امنیت به تصویب رسید، اتحادیه اروپا براساس قطعنامه مزبور، تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران را

لغو نمود. رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا نیز در همان تاریخ با صدور فرمان اجرایی جدید، فرمان‌های اجرایی قبلی مرتبط با تحریم‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را متوقف نمود. به رغم همه تلاش‌ها برای رسیدن به توافق جامع و مشترک در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و موفقیت حاصل از آن، دونالد ترامپ از زمان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مخالفت خود را با آن اعلام نمود. وی در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ با دستاویز قرار دادن برنامه موشکی ایران به صورت یک‌جانبه از برجام خارج و بازگشت تحریم‌های هسته‌ای را اعلام کرد. در نتیجه، دور اول تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران با خروج از توافق برجام در تاریخ ۶ اگوست ۲۰۱۸ اجرایی شد. از آن تاریخ به بعد تحریم‌های متعدد دیگری در حوزه‌های مختلف اعم از انرژی، صنعت نفت، فلزات گرانبها و به نحوی گسترده و بی‌سابقه به لیست تحریم‌ها اضافه گردید. و اما در حال حاضر تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکا علیه کشورمان به دو دسته عمده قابل تقسیم هستند:

۲-۱. تحریم‌های وضع شده بر صنعت و فناوری هسته‌ای جمهوری

اسلامی ایران

دسته‌ای از تحریم‌های ایالات متحده آمریکا مستقیماً صنعت و فناوری هسته‌ای، شرکت‌ها و افراد مرتبط با این صنعت را هدف قرار داده‌اند. ایالات متحده آمریکا پس از شروع دور تازه تحریم‌ها در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران اظهار داشت که تهران به طور کلی نباید توان غنی‌سازی اورانیوم را داشته باشد. این کشور پس از صدور اولین قطعنامه شورای امنیت در سال ۲۰۰۶ صدور قطعات، تجهیزات و مواد اولیه از جمله آلومینیم و فیبرکربن را که نقش اساسی در تکنولوژی مرتبط با ساخت سانتریفیوژ و «روتورهای سانتریفیوژ» دارند منع و تحریم نمود.^۱ از آن پس و به خصوص پس از خروج یک‌جانبه از برجام بر شدت این تحریم‌ها افزود و

۱- قابل‌بازایی در:

<https://fa.euronews.com/2019/07/17/3-iranians-charged-in-us-with-exporting-tons-of-carbon-fiber-to-iran>

طی صدور دستورهای اجرایی متعدد اقدام به تحریم سازمان انرژی اتمی به طور کلی، اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران نموده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۱۸ جولای ۲۰۱۹ پنج شخص حقیقی و هفت مؤسسه را به دلیل «تهیه مواد حساس» برای برنامه هسته‌ای ایران تحریم نموده است. این وزارت در بیانیه‌ای که روی سایت آن منتشر شده است، گفته است که علیه شبکه‌ای از شرکت‌های پوششی و عوامل درگیر در تهیه مواد حساس برای برنامه هسته‌ای ایران دست به اقدام زده است. این افراد و مؤسسات که به گفته وزارت خزانه‌داری در ایران، چین و بلژیک مستقر هستند، به عنوان شبکه تهیه مواد برای شرکت فناوری سانتریفیوژ ایران TESA عمل می‌کردند، شرکتی که به واسطه تولید سانتریفیوژهای مورد استفاده در تأسیسات سازمان انرژی اتمی، نقشی حساس در برنامه غنی‌سازی اورانیوم جمهوری اسلامی ایفاء می‌کند. شرکت «TESA» پیشتر در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ در فهرست تحریمی وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفته بود. این شرکت به دلیل وابستگی به سازمان انرژی اتمی تحریم شده است.^۱ ایالات متحده آمریکا در ۴ می ۲۰۱۹ در یک اقدام خصمانه دیگر علیه جمهوری اسلامی ایران بر خلاف مفاد برجام انتقال اورانیم غنی شده به خارج از کشور را نیز تهدید به تحریم نمود. بر اساس بیانیه‌ای که در سایت وزارت خارجه آمریکا قرار گرفته است ایالات متحده اعلام نموده است که از تاریخ مزبور کمک به گسترش نیروگاه هسته‌ای بوشهر فراتر از واحد رآکتوری کنونی می‌تواند تحریم پذیر باشد.^۲

۲-۲. تحریم‌های کنترلی با هدف متوقف ساختن برنامه هسته‌ای و تضعیف جمهوری اسلامی ایران

دسته‌ای دیگر از تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌هایی هستند که بر دیگر صنایع و فعالیتهای اقتصادی جمهوری اسلامی

1-<https://www.iranwatch.org/library/governments/united-states/executive-brannch>
 2- Secretary Pompeo continues to believe that Iran must declare to the IAEA a full account of the prior military dimensions of its nuclear program, and verifiably abandon such work in perpetuity. Additionally, he reiterates his call that Iran must stop enrichment and never pursue plutonium reprocessing

- این دسته از تحریم‌ها که اکثراً بعد از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد بر مبنای «برنامه جامع اقدام مشترک» متوقف گردیده بودند با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام به موجب فرمان رئیس‌جمهور این کشور در ۸ می ۲۰۱۸، توسط وزارت خزانه‌داری این کشور در ۶ آگوست ۲۰۱۸ به شرح ذیل احیا شدند:
۱. ممنوعیت خرید و فروش اسکناس یا اسناد مبتنی بر دلار از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران؛
 ۲. ممنوعیت خرید و فروش طلا و سایر فلزات گرانبها، خرید، تأمین یا انتقال فلزاتی نظیر گرافیت؛
 ۳. ممنوعیت خرید و فروش فلزات خام یا نیمه‌خام مانند آلومینیوم و آهن، زغال‌سنگ و نرم افزارهای مورد استفاده از سوی صنایع ایران؛
 ۴. تحریم صنعت خودروسازی ایران؛
 ۵. ممنوعیت خرید و فروش و تأمین قطعات هواپیما؛
 ۶. تحریم معامه با بخش‌های کشتیرانی و کشتی‌سازی ایران و عاملان بنادر (IRIL) شامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کشتیرانی جنوب و وابستگان به آنها؛
 ۷. تحریم معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش ایران (NITC)، شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو NICO) و همچنین خریداری نفت، محصولات نفتی یا محصولات پتروشیمی از جمهوری اسلامی ایران؛
 ۸. ممنوعیت هرگونه مبادلات مالی بین مؤسسات مالی بین‌المللی با بانک مرکزی ایران یا مؤسسات مالی ایرانی؛
 ۹. ممنوعیت سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ۱۰ ممنوعیت همکاری با ایران در قالب تعهدات خدماتی، بیمه‌ای و بیمه اتکائی. ایالات متحده آمریکا همچنین واردات فرش و مواد غذایی مانند پسته از ایران و صادرات هواپیماهای تجاری و قطعات و خدمات آن به ایران را ممنوع اعلام کرده است.
- ایالات متحده به دنبال احیاء تحریم‌های مزبور اعلام نمود: «ما نسبت به هر زمان دیگر، قوی‌ترین کمپین اعمال حداکثر فشار بر ایران را با موفقیت اجرا می‌کنیم و دیگر تحمل نخواهیم کرد که کالاهای تجاری از ایران به بندرگاه‌های

دیگر کشورها راه یابد و کشورهایی که واردات نفت از ایران را متوقف نکنند و همچنین شرکت‌های خارجی که به داد و ستد با نهادهای تحریم شده ایرانی ادامه دهند، تحریم خواهند شد.^۱

ایالات متحده آمریکا علاوه بر اعمال ممنوعیت بر صنایع و فعالیت‌های پیش گفته، تا کنون حدود ۳۰۰ شرکت و سازمان جدید را به لیست تحریم‌ها اضافه کرده است. شرکت بازرگانی پتروشیمی جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از شرکت‌های وابسته به شرکت ملی نفتکش جمهوری اسلامی ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی جمهوری اسلامی ایران از جمله مهمترین این شرکت‌ها و مؤسسات هستند.

۲-۳. مشخصه بارز تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکا: گستردگی و فراسرزمینی بودن با آثار جمعی

تحریم‌های اقتصادی به عنوان تدابیر قهرآمیز علیه یک کشور یا چند کشور به منظور ایجاد تغییر در سیاست‌های کشور مورد هدف تحریم و یا دست کم بازگو کننده نظریات کشور تحریم کننده در مقابل کشور تحریم شونده تعریف شده است. (Barrye, 1988: 4). اگر چه در یک تعریف جامع تر از تحریم آن را امتناعی نظام یافته در برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت با دولت دیگر و یا مجموعی از دولت‌ها جهت تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول معرفی نموده‌اند، ولی چهره تحریم بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی آشکار می‌شود، آن جا که کالاها و خدمات یک دولت خاص بایکوت می‌شود. (خواجی، ۱۳۹۱: ۵). در حال حاضر تحریم‌های اقتصادی را به لحاظ شکلی می‌توان به سه دسته تحریم‌های یک‌جانبه، تحریم‌های چندجانبه و تحریم‌های سازمان ملل متحد (جمعی) تقسیم کرد. تحریم‌های یک‌جانبه، تحریم‌هایی هستند که از سوی یک کشور علیه یک کشور دیگر و یا نهادهای آن اعمال می‌شوند. آثار این دسته از تحریم‌ها علی‌الاصول محدود به روابط میان دو کشور تحریم کننده و تحریم شونده است. این دسته از

۱- قابل بازیابی در:

تحریم‌ها پرکاربردترین تحریم‌ها در روابط میان دولت‌هاست و اغلب در مواردی که یک دولت در مقابل دولت دیگر نقض تعهد می‌نماید به کار گرفته می‌شوند و هدف از اعمال آنها اجبار دولت خاطی به انجام تعهد نقض شده می‌باشد. تحریم‌های چندجانبه به تحریم‌های گفته می‌شود که از سوی چند کشور و در اغلب موارد به صورت ائتلافی علیه کشور هدف صورت می‌گیرند. مبنای اعمال این دسته از تحریم‌ها در اغلب موارد معاهدات و موافقتنامه‌های چندجانبه بین‌المللی هستند. آثار این دسته از تحریم‌ها نسبت به آثار تحریم‌های دسته اول گسترده‌تر ولی باز هم محدود به روابط کشورهای اطراف معاهده و موافقتنامه بین‌المللی می‌باشند. تحریم‌های دسته سوم که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی وضع می‌گردند محدود نبوده و کلیه کشورهای عضو سازمان مکلف به رعایت آنها هستند. لذا این دسته از تحریم‌ها دارای اثر جمعی هستند. در واقع شورای امنیت به عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل متحد به موجب ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد و به موجب فصل ششم و هفتم دارای اختیارات وسیعی در راستای انجام این وظیفه می‌باشد. بر اساس ماده ۲۵ منشور نیز دولت‌ها مکلفند که تصمیمات شورا را که بر اساس منشور سازمان اتخاذ گردیده‌اند، قبول و اجرا نمایند. لازم به ذکر است که چنانچه این نهاد حافظ صلح پس از وضع تحریم، با تغییر رفتار دولت تهدیدکننده و یا ناقض صلح مواجه گردید و در خصوص رفع تحریم‌ها اتخاذ تصمیم نمود، باز هم کلیه دولت‌ها مکلف به اجرای تصمیم شورا در این زمینه هستند. در واقع تحریم‌های با آثار جمعی اقداماتی هستند که به وسیله ارگان‌های نماینده‌ی جامعه جهانی در پاسخ به رفتارهای غیرقانونی و غیرقابل قبول یکی از کشورها اعمال می‌شوند و منظور از آن تأیید ملاک‌های رفتاری است که حقوق بین‌الملل آنها را مقرر می‌دارد. (مافی، ۱۳۸۵: ۶۳). کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص تحریم‌های دسته جمعی مشروع اشعار می‌دارد: «تحریم‌ها اقدامات واکنشی هستند که به طور کلی با استناد تصمیم اتخاذ شده به وسیله یک سازمان بین‌المللی و پیرو نقض یک تعهد بین‌المللی که متضمن نتایج جدی برای جامعه بین‌المللی می‌باشند صورت می‌گیرند و به‌ویژه در مورد اقدامات مشخصی که منشور

سازمان ملل متحد اختیار اتخاذ آنها را بر اساس نظام تثبیت شده منشور به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد.^۱

شورای امنیت بر همین مبنا و اختیاراتش از سال ۲۰۰۶ به قضیه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ورود و قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹، ۲۲۲۴ را علیه فعالیت‌های هسته‌ای این کشور تصویب نمود. این قطعنامه‌ها جمهوری اسلامی ایران را با تحریم‌هایی نظیر ممنوعیت صدور مواد و تجهیزاتی که با فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارتباط مستقیمی داشته باشند، مواجه ساخت و دارایی‌های برخی مؤسسات و افراد مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران در خارج از کشور را مسدود کرد. به موازات این اقدامات، به تدریج مذاکرات جدید ایران و گروه ۵+۱ طبق پیمان‌نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به منظور اطمینان از عدم تولید و توسعه سلاح هسته‌ای توسط ایران و اطمینان ایران از حق خود برای غنی‌سازی سوخت هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز و غیر نظامی آغاز گردید. پس از چندین دور مذاکره، سرانجام تیم‌های مذاکره کننده در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ در وین پایتخت اتریش موفق به دستیابی به یک توافق جامع و نهایی - با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک - بر سر آینده برنامه هسته‌ای ایران شدند. به دنبال دستیابی به توافق برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام، شورای امنیت به عنوان نماینده جهانی حافظ صلح و امنیت، با تصویب و صدور قطعنامه ۲۲۳۱ اقدام به انضمام آن به قوانین بین‌المللی نموده و قطعنامه‌های قبلی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را ملغی اعلام نمود. این قطعنامه اتحادیه اروپا، آلمان، انگلیس، فرانسه و ایالات متحده آمریکا را مکلف به لغو کلیه تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، پس از راستی‌آزمایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمود. اما اقدام ایالات متحده آمریکا به خروج یک‌جانبه از برجام در سال ۲۰۱۸ و بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران با ادعاهایی اثبات نشده، نه تنها بیان‌کننده اقدام غیرممتعارف و خصمانه این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای برجام است، در تناقض آشکار با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز می‌باشد. این کشور پس از خروج از برجام اقدام به تصویب قوانین برون‌مرزی متعدد

1- Yearbook of International Law Commission (1979). Para129.

با آثار جمعی نموده است. در حال حاضر، ایالات متحده با ادعای صلاحیت برون‌مرزی قوانین این کشور، تعارض جدی بین قوانین مذکور و قوانین سایر کشورها ایجاد کرده است. هنگامی که قوانین فراسرزمینی ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرند، اولین سئوالی که مطرح می‌شود این است که: آیا تصویب قوانین داخلی با آثار جمعی برون‌مرزی قابل قبول است یا خیر؟ مطالعه جامع و متقن گیبینی نشان می‌دهد که اعمال قانون برون‌مرزی به دلیل عدم رابطه متقابل و ابتناء آن بر موضع قدرت، اساساً دموکراتیک نیست. (Gibney, 1996: 306,308) لذا ضرورت حفظ حقوق حاکمیت دولت‌های دیگر تا حد امکان مستلزم این است که صلاحیت یک کشور تا جایی توسعه داده شود که به این حقوق تا کمترین حد ممکن لطمه وارد آید. برانلی استدلال می‌کند که اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل مظهر دکتترین قانون اساسی راجع به حقوق اساسی ملت‌هاست که اصولاً حاکم بر یک جامعه متشکل از دولت‌ها با هویت واحد می‌باشد. (Brownlie, 1990: 187)

با وجود این، ایالات متحده آمریکا با تصویب قوانین متعدد با آثار جمعی برون‌مرزی، مشی خود در حفظ و افزایش تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران - به رغم پایبندی این کشور به تعهداتش براساس برجام - را حفظ کرده است. تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف سیاسی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاور میانه مقصد نهایی این کشور از وضع تحریم‌های حداکثری اخیر است.

اغلب صنایع و مؤسسات بنیادین کشور جمهوری اسلامی ایران، از جمله صنعت نفت، فلزات گرانبها و غیر آن، مؤسسات پولی و مالی و .. به عنوان شاخص‌های مؤثر برای ایجاد فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، از طرف ایالات متحده آمریکا مورد استفاده قرار گرفته است. با تدقیق و تعمیق در وضعیت فعلی کشور جمهوری اسلامی ایران این نتیجه حاصل می‌گردد، که تحریم‌های ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های مختلف سبب بروز تنگناهای جدی در ارتباطات تجاری، واردات و صادرات کلیه صنایع اعم از نفت، گاز، فلزات، صنعت هواپیمایی، کشتیرانی و بیمه و اختلال در روابط بانکی و پولی ... گردیده که این به نوبه خود باعث افزایش واسطه‌ها در

صدور و ورود کالاها، افزایش هزینه‌های مبادلاتی، بیمه کشتی‌ها و طولانی شدن مدت زمان حمل کالاها، آشفتگی سیستم توزیع، احتکار و گرانی‌فروشی، کاهش ارزش ریال که به نوبه خود باعث کاهش واردات و تحدید دسترسی ایران به سرمایه، تغییر جو سرمایه‌گذاری، توقف قسمت زیادی از طرح‌های توسعه ساختاری اقتصادی، کاهش چشمگیر فعالیت شرکت‌های نفتی به دلیل کاهش تقاضا برای نفت خام و در نتیجه تهدید جدی تراز تجاری کشور... شده است. (گزارش مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۷: روزنامه دنیای اقتصاد). بسیاری از اندیشمندان معتقدند که علاوه بر این، تهدیدات و تحریم‌های اقتصادی موجب به مخاطره افتادن امنیت عرضه انرژی در جهان می‌شود. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). لذا با توجه به چنین حجم گسترده‌ای از تحریم‌های ناعادلانه و غیر منصفانه و آثار و تبعات آنها که به برخی از آنها اشاره شد، سخن از نقض تعیین آزادانه سرنوشت اقتصادی ملت ایران سخن‌گزافی نیست. به جرأت می‌توان گفت که در حال حاضر با توجه به اقدامات ایالات متحده آمریکا، ملت جمهوری اسلامی ایران از وسایل معیشتی خود محروم گشته است. ملتی که برخوردار از منابع و ثروت ملی باشد ولی به واسطه مداخله قدرت مبتنی بر زور قادر به استفاده از آن نباشد به مثابه ملت تحت سلطه‌ای است که حق استفاده و تصمیم‌سازی برای منابع و ثروت‌های ملی‌اش را ندارد و حق توسعه و رفاه اقتصادی و به تبع آن توسعه اجتماعی و فرهنگی از وی گرفته شده است. که این خود بر خلاف اصل اساسی حقوقی بین‌المللی عدم مداخله در امور داخلی کشورها است. گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر نیز در خصوص آثار سوء تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی شدید کرد و گفت: تحریم‌های اقتصادی با نیت سیاسی، حقوق بشر و قواعد بین‌المللی را نقض می‌کند و تغییر دادن رویه و رژیم سیاسی دولت‌های دیگر از طریق تحریم‌های گسترده که حقوق بنیادین بشر را نادیده می‌گیرد و ممکن است به قیمت قحطی زدگی یک ملت باشد، هرگز رویه پذیرفته شده بین‌المللی نبوده است. وی از عدم تمدید خرید نفت ایران از سوی دیگر کشورها نیز ابراز نگرانی کرد و اظهار داشت: اعمال فراسرزمینی تحریم‌های یک جانبه در مغایرت آشکار با حقوق بین‌الملل قرار دارد و من عمیقاً از این موضوع بیمناکم که یک دولت بتواند از موضع بالاتر خود

در مسائل مالی و اقتصادی بین‌المللی برای صدمه زدن به نه تنها مردم ایران که تا به امروز تعهداتشان را مطابق برجام به انجام رسانده‌اند بلکه هر شخصی در دنیا که بخواهد با ایران تجارت کند، سوء استفاده کند.^۱

به هر حال دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس عرف بین‌الملل و ماده ۳۰ پیش نویس ۲۰۰۱ حق طرح مسئولیت بین‌المللی و درخواست توقف عمل متخلفانه و تضمین به عدم تکرار و جبران خسارت را از دولت ایالات متحده آمریکا دارد. علاوه بر این سایر دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی با توجه به اصل مسلم حقوقی بین‌المللی تساوی حاکمیت، نه تنها هیچ تعهد و تکلیفی به تبعیت از قوانین برون‌مرزی تحمیلی ایالات متحده آمریکا ندارند، بلکه متعهدند وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض تعهد عام الشمول را شناسایی نکرده، به حفظ این وضعیت کمک نکنند و اطمینان حاصل نمایند که هرگونه مانع بر سر راه اعمال تعهدات مزبور از بین رفته است. لذا برای حصول این اطمینان باید همه دولت‌ها همکاری فعالانه لازم را بنمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- US sanction violate human rights and international code of conduct, UN expert says (6 May 2019)

Available in: <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=2456&LangID=E>

برآمد

اقدام ایالات متحده آمریکا در وضع تحریم‌های گسترده و حداکثری با محوریت برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، خارج از چارچوب قواعد و مقررات آژانس بین‌المللی اتمی و پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و به خصوص قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. این اقدامات همچنین در قالب تصویب قوانین الزام‌آور برون‌مرزی با آثار جمعی در تعارض آشکار با اصل عدم مداخله و حق بر توسعه و تعیین آزادانه سرنوشت اقتصادی ملت ایران است که به موجب نظریه مشورتی ۲۰۰۴ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل به عنوان یک تعهد عام‌الشمول مورد شناسایی قرار گرفته است.

لذا عملکرد یک جانبه ایالات متحده آمریکا، نه تنها ناقض تعهد عام‌الشمول این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت زیان‌دیده مستقیم است، بلکه در تباین و تعارض با منافع حقوقی دیگر اعضای جامعه بین‌المللی نیز است به گونه‌ای که می‌توان گفت نظم عمومی جهانی و یا به بیان دیگر امنیت جهانی تحت‌الشعاع این اقدامات نابخردانه قرار گرفته است. در نتیجه، جا دارد اعضای جامعه بین‌المللی در قبال اقدامات غیرقانونی و خارج از استانداردهای حقوقی بین‌المللی ایالات متحده آمریکا، همراهی و همکاری فعالانه و یا منفعلانه با اقدامات این کشور اجتناب نموده و با طرح مسئولیت بین‌المللی آن از ادامه وضعیت غیرقانونی جلوگیری نمایند و از آنجا که تا کنون این همکاری در چارچوب صدور بیانیه و اعلامیه محدود مانده و هیچ اقدام عملی در سطحی مطلوب و قابل قبول در دسترس نیست، راهبرد مقاومت و اتکال به ظرفیت و امکانات داخلی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، راهبردی مشروع و صحیح است.

منابع

- تسون، فرناندو (۱۳۹۲)، *فلسفه حقوق بین‌الملل*، ترجمه محسن محبی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- فلدرن، زایدل هوهن (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌الملل اقتصادی*، ترجمه سید قاسم زمانی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، چاپ سوم، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۸۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، انتشارات میزان.
- اکبری لالیمی، مرتضی (۱۳۹۵)، «*جرای حق تعیین سرنوشت، تقابل حقوق بشر با حاکمیت دولت‌ها*»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد، شماره ۹۶.
- شریفی، محسن (۱۳۸۷)، «*دیوان بین‌المللی دادگستری و تعهدات Erga Omnes*»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۴.
- حدادی، مهدی (۱۳۸۹)، «*استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام‌الشمول*»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و هفتم، شماره ۴۲.
- خواجی، غلامرضا (۱۳۹۱)، *تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه*، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- تی‌یا، وانگ (۱۳۶۶)، «*جهان سوم و حقوق بین‌الملل*»، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۸.
- مافی، همایون (۱۳۸۵)، «*تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل*»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۷)، *تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن*، مجله مریبان، سال هشتم، شماره ۲۷.
- ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید (۱۳۷۶)، *تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران*، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴۱.

- عسکری، یدالله (۱۳۸۵)، *بررسی و تحلیل حقوقی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران*، فصلنامه سیاست دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- احمد، مولود (۱۳۸۵)، *کاربرد گسترده دانش هسته‌ای: نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها*، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۲۶.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۳)، *نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای: تصورات و واقعیات*، مجله حقوقی بین‌المللی شماره هجدهم.
- صفایی، سید حسین (۱۳۶۷)، *مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین‌الملل*، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره هشتم، شماره ۹.
- صادقی حقیقی، دیدخت (۱۳۹۰)، *تحول در مفهوم اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل*، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره چهارم، شماره ۱۶.
- ممتاز، جمشید (۱۳۷۹)، *مداخله بشردوستانه ناتو در کوزوو و اصل عدم توسل به زور*، ترجمه مرتضی مختاری امین، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۱.
- قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۵)، *چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل*، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۳.
- ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۳)، *مشروعیت تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل عمومی*، مجموعه مقالات ایران و چالش‌های حقوق بین‌المللی معاصر، تهران، انتشارات شهر دانش.
- حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۲)، *تحریم اقتصادی یکجانبه و اصل حاکمیت دولت‌ها، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل* (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی)، تهران، انتشارات شهر دانش و خانه اندیشمندان علوم انسانی.

- منصوریان، ناصرعلی (۱۳۹۲)، *اصل بین‌المللی عدم مداخله و تخلف ایالات متحده آمریکا از موافقت نامه‌های الجزایر*، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل (مجموعه مقالات هدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی)، تهران، انتشارات شهردانش و خانه اندیشمندان علوم انسانی.

- آسبیرون، ایده (۱۳۸۹)، *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان حقوق بشر*، مترجم: ماهرو غدیری، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مجموعه مقالات)، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد.

- ترامپ تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع کرد (۲۰۱۹/۵/۹) قابل بازیابی در: [www. Dw.se/haz \(rtr, ap, dpa, afp\) / af/ hm](http://www.Dw.se/haz (rtr, ap, dpa, afp) / af/ hm)

- ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین (۲۰۱۳/۱/۲۶) قابل بازیابی در: www. Rasekhoon.net

- Akehurst, Michael Barton (1997), *a modern Introduction to International Law*, edit six, Published by Routledge.
- Zemanek, Karl (2000), *New Trend in the Inforcement of Erga Omnes Obligations*, Max Planck Yearbokof the United Nation Law, Vol, 4.
- Gibeny, Mark (1996), *The Extraterritorial Application of U.S. Law: The Perversion of Democratic Governance, the Reversal of Institutional Roles*, and the Imperative of Establish Normative Principles, Boston College Law Rev, Vol, XIX.
- Brownlie, Ian (1990), *Principle of Public international Law*, Fourth Edition, Clarendon Press, Oxford.
- Bird, Annie (2011), *Third State Responsibility for Human Rights Violations*, The European Journal of International Law Vol, 21 no. 4 EJIL 2011, all rights reserved.

- Barrye, Carter (1988), *International Economic Sanction: Improving the Haphazard us Legal Regime*. Cambridge University.
- Crawford, James (2000), *Responsibility to the International Community as a whol*. Available in: [http://lcil.law.cam.ac.uk/snyderlectoo\(f\).doc](http://lcil.law.cam.ac.uk/snyderlectoo(f).doc)
- International Covenant on Civil and Political Rights 16 December 1966, Enforcement 23 March 1976 and International Covenant on Economic, Social and Culture Rights. 16 December 1966.
- Enforcement 3 January 1976. 2. Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation Among States in Accordance with the Charter of the United Nation, GA Res, 2625 (XXV) annex (Oct-24, 1970).
- Advisory Opinion of 16 October 1975, Available in: <https://www.icj-cij.org/files/case-related/61/061-1975016-ADV-01-00-EN.PDF>.pp.31-53
- Judgment of 30 June 1995, Available in: <http://www.icj.cij.org/files/case-related/84/084-19950630-JUD-01-00-EN>. Pdf. P-19.
- Advisory Opinion of July 2004, Available in: : <http://www.icj.cij.org/files/case-related/131/137-20040709-ADV-01-00-EN.pdf>
- Barselona Traction Case, Dissenting opinion of Riphagen, ICJ Reports-1970.
- The legal Consequence for stats of the Continued Presence of South Africa in Namibia
- Legal Consequence of the Construction of a Wall.
- Yearbook of International Law Commission (1979). Para129.
- US sanction violate human rights and international code of conduct, UN expert says (6 May 2019) Available in: <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=2456&LangID=E>

- <https://fa.euronews.com/2019/07/17/3-iranians-charged-in-us-with-exporting-tons-of-carbon-fiber-to-iran>
- <https://www.iranwatch.org/library/governments/united-states/executive-brannch>
- ILC, Draft Articles on State Responsibility With Commentary, 2001.
- Yearbook of International Law Commission, 1944, P.287s.
- Corfu Channel Case, Judgment of April 9 th, 1949, P. 895.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The U.S nuclear Sanction Against Iran in View of the Right to Self Determination Nations Economic Situation

GolamAli Ghasemi

Amineh Moaiedian

American government has enacted nuclear sanctions against peaceful nuclear program of Iran particular and extensive financial banking and commercial sanction against the economy of the country. election of political system and lifestyle, especially the right to achieve developments. The present essay has assessed the relationships between the U.S constrains and conducts regarding this right, through researches in to this topic,. According to this study, sult social, cultural, and even political situation of Iranian people as a erga omnes obligation which not only has it influenced the interests of Iranian people and government, but also those of other countries that are members of International community and general has affected the public world order. According to this, Iran Islamic Republic as a direct damaged government based on International law right to point out the U.S.A. International responsibilities and ask for the stop of illegal action, ensure not to repeat it, and compensate for the damage. Also, other governments recognize illegal situation resulted from the violation of this erga omnes, not to contribute to keep that, and make sure any obstacles against enactment of mentioned commitments have been removed, as a result, in order to make sure, all governments should cooperate actively.

Keywords: Self Determination Right, Erga Omnes, International Law, Nuclear Sanction